



وحدت جهان اسلام

چشم‌انداز آینده‌های جهان اسلام

(قسمت پنجم)

سرلشکر پاسدار دکتر سیدیحیی صفوی
دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه امام حسین علیه‌السلام

همان گونه که در نگاره ۱ ملاحظه می‌شود یکی از ویژگی‌های بارز و حدت و همگرایی کشورهای اسلامی درهم‌تنیدگی و نامرئی بودن مرزهای موضوعی است. به عبارت دیگر، ممکن است بخشی از مسأله جنبه‌ی سیاسی داشته باشد اما در عین حال، درآمیخته با بخش‌های فرهنگی و اقتصادی نیز باشد.^(۳)

تلاش نوشتار حاضر در جهت طراحی ارکان مدل مفهومی و راهبردی است که ضمن توجه به وجوه مختلف وحدت کشورهای اسلامی، هم زمان به لحاظ راهبردی بتواند به فرصت‌ها و تهدیدات و نقاط ضعف و قوت هر یک از این وجوه و ارکان نیز نظر داشته باشد.



نگاره ۱: چارچوب مفهومی وحدت جهان اسلام

جامع‌نگری و پرهیز از هر نوع تقلیل‌گرایی ایجاب می‌کند، چارچوب مفهومی‌ای ارائه شود که بتواند مدل راهبردی وحدت کشورهای اسلامی را مشخص و تبیین نماید. به عبارت روشن‌تر، در شناسایی مزیت‌های موجود در میان هر یک از کشورهای اسلامی رویکردها و داده‌های متفاوت و شاید متضاد و متناقضی وجود داشته باشد. بنابراین، قبل از شناسایی موانع وحدت کشورهای اسلامی و چاره‌اندیشی برای آن‌ها باید خاطر نشان ساخت که با توجه به طیف وسیعی از رویکردهای مختلف موجود در این زمینه، ضرورت داشتن چارچوب نظری و مدل مفهومی برای مشخص نمودن دامنه‌ی بررسی و تجویز راه‌کارهای مناسب از اهمیت بسزایی برخوردار است. به طوری که برای ارائه‌ی راهبرد، ضروری است که امر گردآوری داده‌ها، تحلیل و پردازش آن‌ها از یک الگوی نظری مشترک تبعیت کند.

به این منظور زمینه‌های مورد بررسی برای اتحاد کشورهای اسلامی را می‌توان به صورت تعاملی و در یک ماتریس چندبعدی (SWOT) نشان داد. (جدول ۱)

چکیده

دستیابی به نقاط کانونی مطلوب در همگرایی میان کشورهای اسلامی ضرورت ترسیم چشم‌انداز مطلوب برای چنین همگرایی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. چشم‌انداز، آینده واقعی، معتبر و جذاب برای کشورهاست.

وحدت فرآیندی بین‌رشته‌ای با ماهیت تعاملی است که ضرورت توجه به لایه‌های اقتصادی، فنی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، ژئوپلیتیک و فرهنگی و نیز نقش آفرینان دولتی و غیردولتی مختلف را ایجاب می‌کند. یکی از ویژگی‌های بارز وحدت و همگرایی کشورهای اسلامی درهم‌تنیدگی و نامرئی بودن مرزهای موضوعی است.

در این مقاله، چشم‌انداز همگرایی جهان اسلام در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته و راهبردهای فرا روی کشورهای اسلامی به همراه چالش‌ها و فرصت‌های آن ارائه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: چشم‌انداز، مدل مفهومی و راهبردی، همگرایی اقتصادی.

ارائه‌ی مدل مفهومی و راهبردی

بررسی تجربه‌های پیشین در فراهم نمودن زمینه‌های وحدت امت اسلامی حاکی از آن است که فقدان رویکرد مفهومی و راهبردی جامع نسبت به تمامی وجوه وحدت امت اسلامی سبب شده است که تلاش‌های گذشته در شتاب آهنگ وحدت امت اسلامی نقطه اثر مطلوب را نداشته باشد. مهمترین تلاش‌هایی را که در این زمینه انجام گرفته است می‌توان این گونه برشمرد: دارالتقرب در قاهره به رهبری علامه شیخ عبدالمجید سلیم، میثاق مؤسسان توسط علامه محمدمهدی شمس‌الدین، مؤسسه‌ی خیریه‌ی آیت‌... العظمی خوبی، تجربه‌ی علمی آیسسکو (سازمان علمی، آموزشی و تربیتی سازمان کنفرانس اسلامی) و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.^(۱) چنین وضعی به لحاظ تئوریک زمینه‌ی روانی و شناختی طرح ابتکار عمل جمهوری اسلامی ایران را به عنوان بانی اتحاد و ائتلاف کشورهای اسلامی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی فراهم نموده است. چرا که به نظر می‌رسد مهم‌ترین تلاش برای برقراری ائتلاف، فراهم نمودن زمینه‌های شناختی و جغرافیای معرفتی مشترک است.^(۲) وحدت جهان اسلام از اجزاء مختلف و درهم‌تنیده‌ای تشکیل شده است و ماهیت این درهم‌تنیدگی نیز به گونه‌ای است که هیچ یک از اجزاء آن را نمی‌توان جدا از هم در نظر گرفت. (نگاره ۱)

بنابراین، وحدت اساساً فرآیندی بین‌رشته‌ای با ماهیت تعاملی است که ضرورت توجه به لایه‌های اقتصادی، فنی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، ژئوپلیتیک و فرهنگی و نیز نقش آفرینان دولتی و غیردولتی مختلف را ایجاب می‌کند.



شاخص‌ها	زمینه‌های وحدت	ژئوپلیتیک (Geopolitics)	اجتماعی (Social)	امنیتی (Security)	سیاسی (Political)	دفاعی (Defense)	اقتصادی (Economy)	شناختی (Cognitive)	جهان اسلام بررسی موردی کشورهای اسلامی
قوت (Strength)	GS	SS	SS	PS	DS	ES	CS		
ضعف (Weakness)	GW	SW	SW	PW	DW	EW	CW		
فرصت (Opportunity)	GO	SO	SO	PO	DO	EO	CO		
تهدید (Threat)	GT	ST	ST	PT	DT	ET	CT		

جدول ۱: مدل راهبردی وحدت کشورهای اسلامی در قالب ماتریس (SWOT)

اختصاص دارد. تقویت جنبه‌ی مشترک و استفاده از فرصت‌ها و پتانسیل‌های موجود می‌تواند موجب تحکیم همبستگی کشورهای اسلامی شود. ^(۷) CW: در ذیل این نشانه، نقاط ضعفی که وجوه فرهنگی حاکم بر کشورهای اسلامی برای وحدت و همگرایی به وجود می‌آورد و بالعکس نقاط ضعفی که ممکن است در ابعاد فرهنگی جهان اسلام به وجود آید مورد توجه قرار گرفته است.

CO^(۷): در این رابطه به فرصت‌هایی که از نظر فرهنگی برای وحدت کشورهای اسلامی فراهم است و نیز به فرصت‌هایی که وحدت برای توسعه‌ی فرهنگی به وجود می‌آورد اشاره خواهد شد.

CT^(۸): در این رابطه تهدیدهای ناشی از وجوه فرهنگی حاکم در هر یک از بلاد اسلامی برای فرایند وحدت کشورهای اسلامی و نیز تهدیدات احتمالی ناشی از همگرایی کشورهای اسلامی برای کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کمک شایان توجه این ماتریس به انجام پژوهش، مشخص نمودن دامنه‌ی تحقیق^(۹) است. به عبارت روشن‌تر، ما هفت قلمرو^(۱۰) اصلی داریم که در ذیل هر یک، چهار شاخص مهم و راهبردی وجود دارد. فهم و شناسایی این چهار شاخص برای فهم و بررسی ایجاد زمینه‌های اتحاد یک دولت - ملت اسلامی با هر یک از کشورهای اسلامی و چگونگی ارائه‌ی راهبرد ضروری هستند. این هفت قلمرو کلیدی برای بررسی زمینه‌های وحدت میان یک دولت - ملت اسلامی و هر یک از دولت‌های کشورهای مسلمان به همراه شاخص‌های مربوط را می‌توان به صورت انتزاعی در چهار حوزه‌ی مهم به شرح ذیل بیان نمود:

۱- حوزه‌ی اقتصادی

- نقاط قوت موجود در مناسبات اقتصادی فی مابین
- نقاط ضعف موجود در مناسبات اقتصادی فی مابین
- فرصت‌های موجود در مناسبات اقتصادی فی مابین
- تهدیدهای موجود در مناسبات اقتصادی فی مابین

۲- حوزه‌ی نظامی

- نقاط قوت موجود در مناسبات نظامی فی مابین
- نقاط ضعف موجود در مناسبات نظامی فی مابین
- فرصت‌های موجود در مناسبات نظامی فی مابین
- تهدیدهای موجود در مناسبات نظامی فی مابین

۳- حوزه‌ی شناختی

- نقاط قوت موجود در مناسبات شناختی فی مابین

نوآوری فکری به کار رفته در مدل فوق توجه به زمینه‌های شناختی (Cognitive) وحدت اسلام است. همان گونه که اشاره خواهد شد زمینه‌های شناختی به لحاظ مفهومی متن (Context) تحقق دیگر وجوه وحدت جهان اسلام است. درک چگونگی تعامل انسان با محیط خود و هم‌چنین کنشگری واحدهای سیاسی به عنوان ارگانیسم‌های زنده و در تعامل پیوسته‌ی فضایی با یکدیگر از جمله موضوعات علوم شناختی (Cognitive Science) به شمار می‌رود.^(۴)

آن چه تاکنون در خصوص رابطه‌ی میان علوم شناختی و جغرافیا مطرح شده است، بیش‌تر در مورد فناوری‌های مرتبط با جغرافیا بوده است، حال آن که علوم شناختی در حوزه‌ی ژئوکالچر، فرهنگ راهبردی، ژئوپلیتیک، حقوق و روابط بین‌الملل می‌تواند زمینه‌ساز تجزیه و تحلیل‌های عمیق علمی، درک مناسب و تدبیر راهبردهای مؤثر باشد.

کاربرد علم شناخت در جغرافیا تنها منحصر به استفاده از ابزارهای GIS نیست، بلکه شناخت زیرساخت تعیین و درک عوامل تأثیرگذار و چندبعدی بر کنشگری و تعامل انسان با مفروضات معین در محیط‌های متنوع جغرافیایی است.

قابلیت هم‌افزایی و هم‌پوشانی میان حوزه‌های مختلف مدل راهبردی از ویژگی‌های منحصر به فرد رویکرد شناختی است. در این رویکرد ضمن تجزیه و تحلیل نقاط ضعف و قوت داخل واحدهای سیاسی، تهدیدات و فرصت‌های فضای بین‌المللی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو، چنین رویکردی می‌تواند امکان دستیابی به رویکردی تمام‌نگرانه هم از حیث کیفی و هم کمی جهت فهم مناسبات میان واحدهای جهان اسلام با ویژگی‌های جغرافیایی متنوع و منحصر به فرد را به دست دهد.

الگوی SWOT به کار رفته در مدل راهبردی این بررسی را می‌توان از یک سو به یک واحد سیاسی واقع در یک موقعیت جغرافیایی معین و از سوی دیگر به جهان اسلام، با تعیین موقعیت جغرافیایی خاص خود، تعمیم داد. برای روشن‌تر شدن هر چه بیش‌تر ماتریس مدل راهبردی فوق می‌باید هر یک از سلول‌های آن را به طور مختصر شرح داد. در این جا به عنوان نمونه و به منظور روشن‌تر شدن تعاملات ارکان مدل راهبردی، نقش و اهمیت فرهنگ در گسترش یا کندی آهنگ وحدت و همگرایی کشورهای اسلامی برگزیده شده است. شایان توجه است که ارتباطات مورد بررسی را به رابطه‌ی دیگر ملاحظات در بررسی وحدت کشورهای اسلامی نیز می‌توان نسبت داد.

CS^(۵): به بررسی نقاط قوتی که به لحاظ فرهنگی برای وحدت کشورهای اسلامی وجود دارد و نیز نقاط قوتی که وحدت جهان اسلام برای پایداری و مقاومت از بعد فرهنگی در هر یک از کشورهای اسلامی به دست می‌دهد



- نقاط ضعف موجود در مناسبات شناختی فی مابین
- فرصت‌های موجود در مناسبات شناختی فی مابین
- تهدیدهای موجود در مناسبات شناختی فی مابین

۴- حوزه‌ی سیاسی

- نقاط قوت موجود در مناسبات سیاسی فی مابین
- نقاط ضعف موجود در مناسبات سیاسی فی مابین
- فرصت‌های موجود در مناسبات سیاسی فی مابین
- تهدیدهای موجود در مناسبات سیاسی فی مابین

مزیت‌های جغرافیایی در جهت خنثی‌سازی راهبرد تفرقه‌افکنانه‌ی استکبار جهانی بین کشورهای اسلامی از دیگر دستاوردهای مهم وحدت جهان اسلام خواهد بود. وحدت و یکپارچگی جهان اسلام در عرصه‌های مختلف دستاوردهای مهمی را در بردارد. برخی از مهم‌ترین این دستاوردها به شرح ذیل هستند:

دستاوردهای سیاسی: تقویت اتحادیه‌ها و سازمان‌های سیاسی موجود از قبیل سازمان کنفرانس اسلامی، دریافت حق و تو برای کنفرانس اسلامی و عضویت در شورای امنیت سازمان ملل

دستاوردهای شناختی: تمهید سازوکار مناسب برای غلبه بر سوء برداشت‌ها و طرح مفروضات مقوم همگرایی و وحدت

دستاوردهای اقتصادی: تشکیل بازار مشترک کشورهای اسلامی و تقویت بانک توسعه‌ی اسلامی

دستاوردهای فرهنگی: تقویت صنعت گردشگری بین کشورهای اسلامی

دستاوردهای دفاعی: تقویت همکاری‌های دفاعی و امنیتی

دستاوردهای حقوقی: تشکیل دیوان داور اسلامی برای موضوعات مورد اختلاف بین دولت‌های اسلامی

آینده‌ی همگرایی اقتصادی

ساختارهای اقتصادی کشورهای اسلامی بسیار ضعیف و شکننده است؛ سیاست‌های ارزی این کشورها بر پایه‌ی درستی واقع نشده و بازدهی نیروی کار در آن‌ها بسیار پایین است؛ اقتصادهای آن‌ها بیش‌تر دولتی است؛ فساد مالی زیاد است؛ اقتصادها مکمل نیستند و معمولاً تک محصولی‌اند. بنابراین، مسأله‌ی اصلی‌ای که این کشورها با آن روبرو هستند، بازسازی ساختارهای اقتصادی و همکاری گسترده‌ی اقتصادی بین آن‌هاست تا از این طریق امکانات بهتری برای زندگی شهروندانشان فراهم کنند.

در زمینه‌ی همکاری اقتصادی بین کشورهای اسلامی دو کار عمده انجام شده است؛ یکی به صورت نظری و دیگری در عمل. آن چه هنوز به صورت یک طرح، اندیشه یا نظر است، مسأله‌ی تشکیل بازار مشترک اسلامی است که در سال ۱۹۸۱ از طرف مصر پیشنهاد شد. در اجلاس ششم کنفرانس سران که در سال ۱۹۹۱ در سنگال تشکیل شد، باردیگر طرح همکاری‌های گسترده‌ی اقتصادی بین کشورهای عضو تا سرحد ادغام اقتصادی، کاهش یا حذف تدریجی تعرفه و دیگر موانع تجاری مورد بررسی قرار گرفت. برخی از پژوهشگران معتقدند کشورهای اسلامی آمادگی لازم را برای فعالیت‌های گسترده‌ی اقتصادی در سازمان‌های منطقه‌ای اقتصادی مانند شورای اقتصاد اتحادیه‌ی عرب، بازار مشترک عرب، اوپک، اکو و اتحادیه‌ی اقتصادی کشورهای غرب آفریقا تا سرحد تشکیل بازار مشترک دارند. در حقیقت، کشورهای اسلامی به صورت فردی یا جمعی در ۱۵ تا از ۱۷ اتحادیه‌ی آفریقایی، در هر چهار اتحادیه‌ی آسیایی و ۱۱ اتحادیه‌ی وابسته به کمیسیون تجارت و توسعه‌ی سازمان ملل متحد (UNCTAD) حضور دارند.^(۱۲) البته برخی از پژوهشگران با توجه به ضعف‌های ساختار کشورهای اسلامی معتقدند که زمینه‌ی عملی تشکیل بازار مشترک اسلامی هنوز فراهم نیست و به زمان احتیاج دارد.^(۱۳)

اگرچه طرح بازار مشترک اسلامی تاکنون به صورت یک اندیشه باقی مانده است، تشکیل بانک توسعه‌ی اسلامی را، در سال ۱۹۷۵، می‌توان اولین گام عملی در جهت توسعه‌ی اقتصادی کشورهای اسلامی به حساب آورد. هدف این بانک سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیربنایی کشورهای عضو و وام دادن به این کشورها برای طرح‌های تولیدی و توسعه‌ی تجارت خارجی

انتظار می‌رود با بررسی نظری و مفهومی زمینه‌های وحدت و دخیل نمودن نقش آفرینان^(۱۱) کلیدی در هر یک از حوزه‌های ذکر شده در مدل راهبردی بتوان مقدمات نظری و زمینه‌های اجرایی وحدت امت اسلام را فراهم نمود. انجام این مهم در گرو ایجاد و شکل‌بخشی به گروه‌ها و کمیته‌های مطالعاتی تخصصی در هر یک از حوزه‌های راهبردی تعیین شده است. کمیته‌های مطالعات با تکیه بر چشم‌انداز تدوین شده و اجماع نظرهای کارشناسانه، مأموریت تدوین، مستندسازی و تبیین زمینه‌های وحدت را آن گونه که در چارچوب مفهومی و مدل راهبردی به آن اشاره شد، به عهده خواهند داشت.

این تبیین به دو صورت کمی و کیفی زمینه‌های مفهومی بازتعریف چشم‌انداز وحدت جهان اسلام را، آن گونه که کشورهای اسلامی اراده کرده‌اند و نه آن گونه که نظام جهانی سرمایه‌داری اراده کرده است، رقم خواهد زد. پس از ترسیم چشم‌انداز، ارائه‌ی راهبردها، تعیین مأموریت‌ها و برنامه‌های اقدام مبتنی بر شاخص‌های مذکور منطقی و ضروری به نظر می‌رسد. شاخص‌های مرتبط جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی با برخورداری از روایی و پایایی مناسب مقوم نگرشی قابلیت محور و همگرا بر مبنای استعداد و شایستگی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه‌ی ملل اسلامی است که ما را به تلاش و حرکت بیش از پیش در مسیر جهانی‌سازی قدرت اسلام در مراحل تدوین چشم‌انداز ترغیب می‌نماید. هم‌چنین آگاهی بخشی به ملل اسلامی نسبت به افق دستاوردهای قابل پیش‌بینی وحدت و متأثر از روند توسعه‌ی قابلیت‌های جهان اسلام را می‌توان از دیگر الزامات حرکتی هماهنگ به سوی آینده‌ای جذاب، مطلوب و تحقق‌یافتنی برای امت اسلامی به حساب آورد.

هم‌چنان که حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در هشتمین اجلاس سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی فرموده‌اند: «امروز باید ابتکار عمل را به دست گیریم و از حالت انفعال به حالت ابتکار در آییم.»

دست یافتن به چنین پیشرفت‌هایی در گرو بالندگی اندیشه و ارائه‌ی الگوهای محققانه در حوزه‌های دانشی مختلف و از آن جمله حوزه‌ی جغرافیا و رشته‌های مرتبط با آن است.

هرگونه که به جهان اسلام بنگریم، بعد جغرافیایی آن نقش آفرین است، از جمله وحدت کشورهای جهان اسلام و استفاده از فرصت‌ها و مزیت‌های راهبردی جهت حل مشکلات داخلی، منطقه‌ای و جهانی.

ضرورت اتخاذ رویکردی راهبردی و میان‌رشته‌ای برای دستیابی به الگوهای مؤثر بر همگرایی و ائتلاف کشورهای جهان اسلام با تأکید بر ابعاد متنوع جغرافیایی اجتناب‌ناپذیر است.

تأکید بر الگوهای متأثر از آموزه‌های متعالی اسلام و قرآن و هم‌چنین



آن‌هاست.

با وجود صرف نیروی انسانی و منابع مالی فراوان در صحنه‌ی عمل چندان نمود پیدا نکرده است.

۵- در اکثر کشورهای اسلامی اداره‌ی اقتصاد کشورها، مبتنی بر نظام اقتصاد اسلامی نیست و این کشورها با توجه به دیدگاه‌های حکامشان به طرف یکی از نظام‌های اقتصادی غیراسلامی متمایل هستند.

۶- عدم توسعه یافتگی اکثر کشورهای اسلامی موجب شده که حاصل جمع همکاری‌های اقتصادی بین آن‌ها مزایای چندانی برای آن‌ها نداشته باشد. به عبارتی، وقتی که اکثر کشورهای عضو از لحاظ تولید، فناوری، مدیریت، صادرات، صنعت و... توانایی چندانی ندارند، امکان این که اتحاد آن‌ها منافع اقتصادی کوتاه مدت داشته باشد، ضعیف است.

۷- وجود نقاط ضعف در سطوح ساختاری اقتصاد جهان اسلام؛ از آن جا که اغلب کشورهای اسلامی اقتصاد سرمایه‌داری یا دولتی را برگزیده‌اند، به نقایص ساختاری آن گرفتار آمده‌اند. علاوه بر این، کشورهای اسلامی با معضل بزرگ حجم سنگین بدهی‌های خارجی مواجه‌اند. براساس گزارش بانک توسعه‌ی اسلامی، این مبلغ در سال ۱۹۹۶ به ۸/۶۱۸ میلیارد دلار بالغ می‌شود.^(۱۵)

۸- افزایش جدی جمعیت کشورهای اسلامی موجب شده که سرمایه‌گذاری درآمد ملی در بخش اجتماعی اجتناب‌ناپذیر بوده و این وضع موجب می‌شود سرمایه‌گذاری اقتصادی کم‌تری در جوامع اسلامی صورت گیرد.

فرصت‌ها

۱- وجود نقاط قوت در حوزه‌ی منابع انسانی: جهان اسلام به واسطه‌ی جمع شدن چند عامل کمی و کیفی جمعیتی (از جمله رشد نرخ امید به زندگی، افزایش زاد و ولد و کاهش مرگ و میر) بالغ بر یک میلیارد نفر را شامل می‌شود. این سرمایه‌ی انسانی ارزشمند، نه تنها یک بازار بالقوه است، بلکه به لحاظ فکری و اقتصادی یک نیروی عظیم تولیدی محسوب می‌شود.

۲- وجود و ظهور نقاط قوت در حوزه‌ی منابع طبیعی: جهان اسلام منابع بزرگی در اختیار دارد. ذخایر نفتی خاورمیانه ۶۰ درصد ذخایر نفتی جهان را تشکیل می‌دهد و این منطقه تولید ۴۰ درصد نفت جهان را تأمین می‌کند. تاکنون کل ذخیره‌ی نفت جهان اسلام به رقمی بیش‌تر از ۶۰ درصد مصرف جهانی می‌رسد. علاوه بر این، در حوزه‌ی مالی نیز سپرده‌ها و سرمایه‌های متعلق به مسلمانان در کشورهای غربی به بیش از ۸/۶۱۸ میلیارد دلار تا ۱۰۰۰ میلیارد دلار بالغ می‌شود.^(۱۶)

۳- وجود فرصت‌ها در حوزه‌ی راهبردی: جهان اسلام به واسطه‌ی ظرفیت‌های طبیعی و انسانی و به واسطه‌ی جایگاه نفت در اقتصاد جهانی، موقعیت راهبردی را در اقتصاد و دیپلماسی بین‌المللی به خود اختصاص داده است.

راهبردهای همگرایی اقتصادی

کشورهای اسلامی باید در راستای همگرایی اقتصادی، موارد زیر را تعقیب کنند تا تغییری در وضعیت آن‌ها صورت گیرد و همگرایی اقتصادی کشورهای اسلامی افزایش یابد.^(۱۷)

۱- وحدت اسلامی و خودتکایی دسته جمعی برای کاهش وابستگی به غیرمسلمانان و حمایت از منافع اقتصادی در مقابل اثرات زیان‌بخش اقتصاد جهانی؛

یک نیاز فوری به سیاست‌های اقتصادی مؤثر و منطقی به منظور دستیابی به خودتکایی در تولید، به خصوص در بخش کشاورزی و تأمین غذا برای کاهش وابستگی به بقیه‌ی جهان وجود دارد که این امر شاید بزرگ‌ترین چالش رودروی مسلمانان تحت نظام جهانی شدن باشد. خودتکایی با تشویق به تولید داخلی، امنیت ملی را بالا می‌برد.

باید با همکاری چند کشور، مقدماتی برای تشویق به تولید منطقه‌ای با پشتوانه‌ی قوی تحقیقی، آموزشی و سرمایه‌گذاری برای تجارب کشاورزان کوچک فراهم شود. اقتصاد بر پایه‌ی علم جدید، تکنیک‌های جدید را برای بهبود میزان تولید و رقابت ابداع کرده است. دولت‌ها باید محیط اقتصادی سالمی را بر پایه‌ی سیاست‌های اقتصادی کلان مناسب برای تسهیل آزادی بازار و ایجاد انگیزه فراهم آورند. مؤسسات مالی مثل بازارهای پول، بازارهای سهام و بازارهای سرمایه برای ارتقاء توسعه در جوامع اسلامی ضروری هستند. هم‌چنین تأکید بر عوامل بومی و محیطی در توسعه برای تداوم رشد ضروری است.

همکاری اقتصادی باید به منظور افزایش عامل تحرک در راه‌اندازی اتحادیه‌های گمرکی، توافقات دوجانبه و چندجانبه، مناطق آزاد تجاری و گروه‌های منطقه‌ای صورت گیرد. نظریه‌ی مزیت نسبی براساس تجارت منطقه‌ای در محدوده‌ی جهان اسلام، نسبت به تجارت با بقیه‌ی جهان، به مسلمانان بهتر کمک می‌کند. مسلمانان برای افزایش قدرت معامله‌ی جمعی و تأثیرگذاری‌شان بر اقتصاد جهانی، باید قادر به رعایت استانداردهای بین‌المللی و کسب مزیت نسبی باشند.

چالش‌ها و فرصت‌های فرا روی همگرایی اقتصادی

با وجود توانمندی‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی کشورهای اسلامی و «اراده‌ی سیاسی» موجود در بین بعضی از سران کشورهای اسلامی در این راستا، به نظر می‌رسد چشم‌انداز همگرایی بین کشورهای اسلامی با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی مواجه است که برخی از آن‌ها در ذیل ارائه می‌شود:^(۱۸)

چالش‌ها

۱- یکی از شروط اصلی ایجاد اتحادیه‌های اقتصادی، سطح مبادلات و ارتباطات کشورهای عضو با یکدیگر است. کشورهای اسلامی با وجود این که حدود یک سوم تعداد کشورهای جهان را تشکیل می‌دهند، از مبادلات چندانی با یکدیگر برخوردار نیستند. به عنوان مثال، فقط حدود ۱۰ درصد تجارت خارجی این کشورها با یکدیگر و بقیه‌ی آن با سایر کشورهای غیرمسلمان است.

۲- در اکثر بلوک‌های اقتصادی و تجاری یک کشور به عنوان قطب اصلی اقتصادی مطرح است که سایر کشورها با همکاری این کشور قدرتمند اهداف اتحادیه‌ی خود را به پیش می‌برند. به نظر می‌رسد که در بین کشورهای اسلامی چنین کشوری وجود ندارد.

۳- عدم تنوع صادرات در اکثر کشورهای اسلامی باعث شده که سطح تجارت این کشورها با یکدیگر محدود گردد. کشورهای اسلامی بیش‌تر صادرات مواد اولیه داشته و نیازمند کالای ساخته شده‌اند. سهم مسلمانان از بازار سرمایه‌ی جهانی کمتر از ۲ درصد است.

۴- عدم الزام عملی اکثر کشورهای مسلمان به مصوبات و تصمیمات اتحادیه‌های مربوطه که نتایج مذاکرات را در عمل بسیار کم‌رنگ کرده و



۱۵- با توجه به عدم موفقیت سازمان کنفرانس اسلامی در زمینه همگرایی اقتصادی، تشکیل یک هسته مرکزی اولیه با شرکت کشورهای دارای ظرفیت و استعداد لازم از نظر متغیرهای کلیدی (اقتصاد کلان بین‌المللی بهترین روش برای شروع همگرایی و آماده سازی زمینه برای پیوستن سایرین به این هسته اولیه و در نهایت ایجاد بازار مشترک اسلامی است که کشورهای امارات متحده عربی، ترکیه، کویت، بحرین، اندونزی، مالزی، عربستان سعودی، ایران، مصر، لبنان به عنوان مناسب‌ترین کشورها برای تشکیل این هسته اولیه شناسایی شده‌اند. از ده کشور دارای رتبه‌ی یک رقمی در شاخص ترکیبی کلی پنج کشور عضو گروه هشت کشور اسلامی در حال توسعه و چهار کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس بوده‌اند و بدین ترتیب مناسب‌ترین هسته مرکزی می‌تواند از اعضای دو زیر مجموعه ترتیباً گروه هشت کشور اسلامی در حال توسعه و شورای همکاری خلیج فارس تشکیل گردد. به عبارتی، کشورهای ایران، مصر، ترکیه، اندونزی، مالزی (از اعضای گروه هشت)، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، کویت، بحرین (از اعضای شورای همکاری خلیج فارس) به عنوان مناسب‌ترین کشورها برای تشکیل هسته اولیه شناسایی شده و پیشنهاد می‌گردند؛

۱۶- ایجاد و ارتقای همگرایی اقتصادی بین یکدیگر و دستیابی به مزایای آن از جمله صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس بزرگ تولید، ایجاد و گسترش تجارت، دستیابی به قدرت رقابت و تنوع صادراتی بیشتر، گسترش همکاری‌ها و مبادلات علمی و فنی افزایش قدرت چانه‌زنی گروه در سطح جهانی و غیره. این کشورها برای دستیابی به مزایای همگرایی اقتصادی می‌توانند به اقدامات زیر اهتمام ورزند: (۱۸)

□ با تشویق سرمایه‌گذاری‌های مشترک می‌توان از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس بزرگ تولید استفاده کرده و مزیت‌های نسبی جدیدی به وجود آورد که این امر علاوه بر رفع نیازهای داخلی و گسترش تجارت درون گروهی، قدرت رقابت کالاهای آن‌ها در بازارهای جهانی را نیز افزایش می‌دهد.

□ کشورهای اسلامی در سرمایه‌گذاری‌های جدید باید به اصلاح ساختار تجاری خود هم توجه کرده و این سرمایه‌گذاری‌ها را به سوی افزایش تنوع صادراتی با تکیه بر تولید کالاهای با ارزش افزوده‌ی بیشتر در سطح جهانی سوق دهند.

□ این کشورها با ارتقاء آزادسازی و تسهیل تجاری و اعطای امتیازات تجاری و از جمله تعرفه‌های ترجیحی به یکدیگر باید به گسترش تجارت درون گروهی کمک کنند.

□ کشورهای اسلامی برای گسترش تجارت درون گروهی باید به رفع موانع تجاری موجود و از جمله تکمیل و تسهیل قوانین و مقررات تجاری همت گمارند.

□ توسعه‌ی تحقیقات تجاری و از جمله تحقیقات مشترک برای شناخت امکانات و نیازهای بالفعل و بالقوه‌ی این کشورها یکی از نیازهای اساسی برای گسترش تجارت درون گروهی است.

□ ایجاد یک بانک اطلاعات تجاری مشترک که اطلاعات لازم از جمله قوانین و مقررات تجاری و امکانات و فرصت‌های موجود این کشورها را به راحتی در اختیار تجار آن‌ها قرار دهد بسیار ضروری است.

□ گسترش همکاری‌ها و مبادلات فرهنگی با توجه به دین مشترک این کشورها به تقویت پیوندهای درون گروهی و در نتیجه تسهیل و تمایل به تجارت بین آن‌ها کمک زیادی می‌کند.

بدیهی است که انجام اقدامات بالا به سازوکارهای اجرایی و ترتیبات نهادی جدید و فعالی نیاز دارد. در واقع، پیشبرد برنامه‌ریزی شده‌ی فرایند همگرایی

۲- توسعه‌ی منابع انسانی به منظور ارتقاء مشارکت مردم در فرایند توسعه و هم‌چنین، تسهیل تحرک شغلی به وسیله‌ی کاهش محدودیت‌های نقل و انتقال نیروی کار در جهان اسلام؛

۳- بازیابی هویت تمدنی و احیاء میراث گذشته (بیش‌تر نهادهای موجود مانند نظام‌های حقوقی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مسلمانان بقایای میراث استعمار هستند)؛

۴- لزوم توجه به سنت‌های اسلامی «وقف» و «زکات» به منظور کاهش مشکل فقر بین مسلمانان و احیاء مجدد این سنت‌ها (علاوه بر موارد فوق می‌توانند خدمات لازم برای بهداشت و آموزش را در قالب سازمان‌های غیردولتی و فراملی انجام دهند)؛

۵- پیشبرد اهداف اقتصاد و مالیه‌ی اسلامی (تجربه‌ی به دست آمده از اشکال مختلف سنت‌های مالی اسلامی، بیانگر لزوم تأکید بیشتر بر با هدف بنیان‌گذاری بازارهای پولی و سرمایه و توسعه‌ی ابزارها برای تسهیل جریان‌های مالی جهانی و منطقه‌ای است)؛

۶- لزوم توجه به فناوری مناسب طرح ریزی شده برای رشد پایدار (به کارگیری دانش بومی متناسب با محیط محلی و توسعه‌ی پایدار، همراه با تکنیک‌های مناسب که قادر به استفاده از منابع با راندمان بالا باشند، می‌توانند در دستیابی اهداف فناورانه مؤثر واقع شوند. فناوری خارجی نیز می‌تواند یک نقطه‌ی امید باشد، اما نمی‌تواند برای ثبات طولانی مدت اقتصاد راه حلی پیدا کند)؛

۷- استفاده از فناوری‌های ارتباطی موجود برای ارتقاء ارتباطات و افزایش اطلاعات (این نوع فناوری‌ها می‌توانند مرزهای جغرافیایی و فرهنگی بین مسلمانان را از بین ببرند)؛

۸- تقبل طرح‌های مهم داد و ستد مشترک برای بهره‌گیری از منابع شغلی، تکنیکی و مالی‌شان به شیوه‌ی ثمربخش‌تر (چنین طرح‌هایی روابطی به سوی گذشته و روبه آینده ایجاد می‌کنند و سرانجام تحرکی در رشد کشورهای مسلمان به وجود می‌آورد. مسلمانان باید برای تسهیل سرمایه‌گذاری پول نفت در دیگر کشورهای مسلمان تلاش کنند)؛

۹- ضرورت تأسیس و راه‌اندازی شرکت‌های چندملیتی برای حمایت از منافع و نیازهای مسلمانان، سرمایه‌گذاری و تقسیم فناوری (همکاری بین مسلمانان به توسعه‌ی فناوری‌های جدید و گسترش آن‌ها کمک خواهد کرد. اقتصاد جهانی جدید متکی بر توانایی شرکت‌های بزرگ برای رقابت در بازارهای جهانی است)؛

۱۰- ضرورت شکل‌گیری مذاکرات اقتصادی بین‌المللی (مسلمانان باید سیاست‌ها، قراردادهای یکپارچه‌ای را در سطح همکاری پولی، اقتصادی و مالی بین‌المللی راه‌اندازی کنند تا به روح جهان‌گرایی و همکاری با آثار تمدنی دیگران رهنمون شوند)؛

۱۱- اجرای اصول اسلامی برای گسترش عدالت اجتماعی، مالکیت، برابری اقتصادی و حقوق و مسئولیت‌های فردی؛

۱۲- سازگار کردن سیاست‌ها با تغییر مداوم به وسیله‌ی حمایت از محیط، کنترل رشد جمعیت و اصلاح کیفیت اسکان مردم در نواحی شهری و روستایی؛

۱۳- توجه به منطقه‌گرایی (در عصر وابستگی متقابل و جهانی شدن) برای تعدیل فشار جهانی شدن و درعین حال آماده شدن تدریجی برای ادغام در اقتصاد جهانی؛

۱۴- توجه به همکاری‌های اقتصادی و کارکردی به عنوان گام اول در همگرایی به دلیل حساسیت دولت‌ها نسبت به حاکمیت ملی؛



اقتصادی می‌توانند همکاری‌های اقتصادی خود را با یکدیگر انجام دهند. شیوهی همکاری بیان شده می‌تواند یک بلوک اقتصادی قدرتمند توسط کشورهای اسلامی ایجاد نماید؛ چرا که برخورداری کشورهای اسلامی از پتانسیل تئوریک و مادی لازم برای این کار، منجر به شکل‌گیری یک اتحاد واقعی و مبنایی بین آنها می‌شود.

در صورت ایجاد یک اتحاد اقتصادی مستحکم بین کشورهای اسلامی، این کشورها می‌توانند محاسبات نظم نوین جهانی و دسته‌بندی‌های کشورهای حاشیه و پیرامون را به هم بریزند و جایگاه نوینی برای خود تعریف کنند.

آینده‌ی همگرایی فرهنگی

بهره‌برداری از ارزش‌ها، زمینه‌ها و علایق مشترک فرهنگی از دیگر عناصر مهم همگرایی در میان کشورهای اسلامی به شمار می‌رود که در ادامه به بررسی این مهم پرداخته می‌شود.

راهبردهای همگرایی فرهنگی

دستیابی به همگرایی فرهنگی در جهان اسلام مستلزم حرکت کشورهای اسلامی در جهت راهبردهای ذیل است: (۲۳)

۱- یک گام مهم، ارائه‌ی پژوهش‌های عملی برای تبیین حقایق تاریخی از دیدگاه علمی بدون تعصبات مذهبی است. از آن جا که بسیاری از تعصبات در اطراف مسائلی دور می‌زند که پایه‌ی علمی ندارد، این تحقیقات می‌تواند روشنگر بسیاری از نکات باشد. البته در این باره باید افرادی که خودشان از تعصب به دور هستند، کتاب و مقاله بنویسند و در نوع نگارش، لطمه‌ای به عواطف و احساسات مذهبی نزنند. روشن است که نشر این قبیل پژوهش‌ها باید با زبان کاملاً علمی نوشته شده و تحریک کننده نباشد، بتواند دست کم روی قشری از فرهیختگان تأثیر بگذارد و از طریق آنان به توده‌های مردم منتقل شود. در سال‌های اخیر، روشنفکران جهان اسلام تألیفاتی در این زمینه داشته‌اند که گرچه برخی با واکنش‌های منفی مواجه شده، اما روی نسل جدید تأثیر خاص خود را داشته و می‌توان امید داشت که به مرور فراگیر شود.

۲- باید توجه داشت که بروز تعصبات مذهبی، بیش از آن که از ناحیه‌ی اکثریت باشد که نیازی به آنها ندارد، از ناحیه‌ی جامعه‌ی اقلیتی است که در میان یک اکثریت زندگی می‌کند و تحت فشار آنهاست. دلیل این امر آن است که هر اقلیتی وقتی خود را در تهدید ببیند، روی مسائل خاص خود تکیه می‌کند و با شدت و حدت بیش‌تری به حفظ آنها می‌پردازد. بنابراین، تا وقتی مشکل اقلیت‌ها حل نشود، ماجرای اختلاف میان آنان و دیگران حل نخواهد شد. اقلیت باید احساس کند تفاوتی با دیگران ندارد و این امر تنها با اعطای حقوق حقه‌ی او امکان‌پذیر است.

۳- یک اقدام اساسی برای وحدت، پدید آوردن شعارها و نمادها برای وحدت است که می‌باید در دستور کار مراکز تبلیغی و رسانه‌ای قرار گیرد. برای این کار باید تمامی مراکز هنری آماده شوند. یک مثال تاریخی، نشریه‌ای است که حدود پنجاه سال پیش در تهران با نام مسلمین به چاپ می‌رسید و نشریه‌ای وحدت‌گرا بود. در این نشریه به اخبار جهان اسلام به طور یکسان نگاه می‌شد. به لحاظ شعاری، روی جلد آن، در حاشیه، در سه سمت بالا و چپ و راست، تصویر کوچک شده‌ی ده‌ها مسجد بزرگ جهان اسلام را که هر کدام از یکی از شهرهای برجسته در جهان اسلام بود، انتخاب کرده و تقریباً به صورت دائمی این حاشیه را روی جلد نشریه به چاپ می‌رساند. دنبال کردن بحث‌های مربوط به تمدن اسلامی و تبیین نظریاتی برای بازگشت

اقتصادی تا نیل به اهداف نهایی آن احتیاج به هماهنگی در سیاست‌گذاری کشورهای عضو در کلیه‌ی مراحل همگرایی دارد.

۱۷- این کشورها در برنامه‌ریزی‌های خود در طول فرایند همگرایی باید مرحله‌ی بعد از آن یعنی ادغام در اقتصاد جهانی را هم در نظر داشته و همراه با پیشبرد فرایند همگرایی با کسب قدرت لازم، خود را برای مرحله‌ی بعد از آن آماده سازند؛

۱۸- کاهش موانع تعرفه‌ای در قالب ایجاد انواع موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای، در میان کشورهای اسلامی به ویژه کشورهای عضو ترتیبات منطقه‌ای گروه دی هشت (D8) و نظام ترجیحات تجاری در بخش صنعت می‌تواند موجب افزایش حجم تجارت درون گروهی کشورهای مذکور گردد.

با توجه به درصد پوشش تجارت مکمل و سطح نرخ تعرفه‌های پایین کشورهای اسلامی واقع در غرب آسیا و خاورمیانه و با در نظر گرفتن سایر جنبه‌ها، ایجاد منطقه‌ی آزاد تجاری می‌تواند به عنوان یکی از راه کارهای پیشنهادی جهت حرکت به سمت تحقق ایده‌ی بازار مشترک اسلامی باشد. در صورت تحقق همگرایی اقتصادی در میان کشورهای اسلامی می‌توان آینده را این گونه پیش‌بینی نمود که: (۱۹)

۱- هفت درصد صادرات کالاها و خدمات جهان در میان کشورهای اسلامی خواهد بود.

۲- بیش از ۲۰ میلیارد دلار، معادل ۶ درصد گردش سرمایه‌ی جهان، (۲۰) در میان کشورهای اسلامی خواهد بود. (۲۱)

سناریوی مؤثر در همگرایی اقتصادی

با توجه به چالش‌ها و فرصت‌های فراروی کشورهای اسلامی، به نظر می‌رسد بتوان سناریوی چندمرحله‌ای ذیل را برای تقویت همگرایی اقتصادی کشورهای اسلامی به کار گرفت: (۲۲)

□ **مرحله‌ی اول:** کشورهای مسلمان در این مرحله می‌باید مشکل اقتصاد داخلی خود را حل نمایند. مشکلات متعدد اقتصادی هم چون فقدان مبنای نظری مستحکم اقتصادی، فقر، توزیع ناعادلانه‌ی درآمد، تورم، بیکاری، صادرات اندک، درآمدسرنه‌ی پایین و... در اکثر کشورهای اسلامی مشکلات اقتصادی- اجتماعی مهمی ایجاد کرده است. می‌باید حکام کشورهای مسلمان نخست قدرت سازماندهی خود را در سطح جامعه‌ی خویش به نمایش گذارند و سپس برای کل جهان اسلام اقدامات لازم را انجام دهند.

□ **مرحله‌ی دوم:** با توجه به تعداد، وسعت و پراکندگی کشورهای اسلامی در سطح جهان و به علت ضرورت مراتب موقعیت جغرافیایی کشورهای عضو اتحادیه‌ی اقتصادی جهت موفقیت آن، جهان اسلام می‌باید در ابتدا چند بلوک اقتصادی جزئی تشکیل دهد که برای این امر می‌توان از اتحادیه‌های موجود چون اکو، آسه، آن، شورای همکاری خلیج فارس و... بهره گرفت.

□ **مرحله‌ی سوم:** هر یک از زیربخش‌ها می‌باید یک فرایند مرحله به مرحله را برای اتحاد بیش‌تر در پیش بگیرند. به گونه‌ای که ابتدا با اتخاذ شرایط در مورد تجارت، بازارهای مالی، نیروی انسانی و سایر ظرفیت‌ها به توسعه‌ی روابط اقتصادی اقدام نمایند. در این میان به علت فقدان تنوع صادرات، همکاری‌های علمی، نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری، پیشنهاد می‌شود پس از رفع این مشکلات گسترش توان و تنوع صادراتی، اقدام به ایجاد بازار مشترک نموده تا پس از افزایش قربات‌های اقتصادی بتوانند، به عنوان یک اتحادیه، تمامی موانع انتقال کالا، سرمایه و نیروی کار را از میان بردارند.

□ **مرحله‌ی چهارم:** در صورت پیشرفت کار زیربخش‌های نام برده شده در بین کشورهای اسلامی، این زیر بخش‌ها در هر یک از مراحل همگرایی



ایجاد هویت‌های تازه‌ای همت گمارد که این هویت‌ها به میزان زیاد خود را از فرهنگ و تمدن اسلامی بیگانه می‌پندارد و بدین ترتیب روند «استعماری فرهنگی» بازیگران سیاسی در جهان اسلام را تسریع بخشیده و در نهایت فروپاشی مفهومی آن را دنبال می‌نماید. امروزه لیبرال دموکراسی در پی تکرار پروژه‌ی فروپاشی مفهومی جهان اسلام است. با این هدف که حلقه‌ی ایدئولوژیک اسلامی دچار بحران معنا شده و بدین ترتیب بلوک قدرت بیرونی به علت قرار گرفتن در خلاء معنایی به یک باره از هم پاشد.^(۲۷) به حاشیه رانده شدن کشورهای اسلامی در روند توسعه و تلاش برای جلوگیری از طی مراحل توسعه توسط مسلمانان و دستیابی به دستاوردهای علمی، چالشی جدی است که پتانسیل بالای کشورهای اسلامی و امکان اتخاذ و سیاست تکمیلی برای بهره‌برداری بهینه از این ثروت و فراهم آوردن زمینه‌های بروز توانایی علمی مسلمانان را تضعیف می‌کند.

فرصت‌ها

اسلام دین آرامش، صلح، پویایی و زندگانی است که به حیات بیش از یک میلیارد انسان با نژادها، قومیت‌ها، فرهنگ‌ها، زبان‌ها و منطقه‌های مختلف جغرافیایی معنا و روشنی بخشیده است. در این راستا کشورهای اسلامی استحقاق بازیابی هویت بایسته و جایگاه شایسته‌ی خود را دارند. آگاهی مسلمانان از توان و ظرفیت‌های بالقوه‌ی فرهنگی - اسلامی در ابعاد مختلف و بهره‌گیری از توانمندی‌های نهان ملل مسلمان در تقویت و ارتقاء همگرایی بین آن‌ها حائز اهمیت فراوان است.

تجدید حیات سیاسی و فرهنگی اسلام در قالب «اسلام‌گرایی» بخشی از حرکت عمومی و معاصر در کشورهای اسلامی بوده و به عنوان یک جریان مهم مدنی و تأثیرگذار در عرصه‌ی اندیشه و حوزه‌ی عمل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مطرح است. لذا ضمن تأکید بر ضرورت تفکیک اسلام‌گرایی مبتنی بر اسلام ناب از رویکردهای افراطی، هر گونه تندروی محکوم است.^(۲۸)

جهان در هزاره‌ی سوم رویکردی معنوی پیدا کرده است. رشد گرایش به اسلام در غرب اعم از آمریکا و اروپا از یک سو و رشد ضدیت و نفرت از آمریکا در کشورهای اسلامی و شرقی از سوی دیگر گواه این مدعاست. رویکرد معنوی گرایش بشری در هزاره‌ی سوم موجب تقویت جایگاه اسلام در تعاملات جهان کنونی شده و می‌تواند به عنوان پشتوانه‌ی همگرایی فرهنگی کشورهای اسلامی که اسلام را مایه‌ی عزت و افتخار خود می‌دانند، عمل نماید. امروزه، در بین ملل اسلامی کشورهایی با پتانسیل قوی علمی و صنعتی ظهور یافته‌اند. موقعیت‌های ممتاز ژئوتکنیکی کشورهای اسلامی می‌تواند در جهت تقویت یکدیگر و تعمیق همگرایی به کار گرفته شود و همکاری‌های صنعتی و علمی کشورهای اسلامی را تسهیل نماید.

راهبردهای همگرایی مذهبی

در رابطه با فراهم ساختن زمینه‌های همگرایی در ابعاد دینی - مذهبی در بین کشورهای اسلامی راهبردهای ذیل ارائه می‌شود:^(۲۹)

۱- رهبران هر مذهبی می‌باید برای وحدت زمینه سازی کنند. این کار در دو مرحله انجام می‌گیرد: اول، ایجاد زمینه‌های ذهنی، که اندیشمندان باید فراهم کنند. دوم، توصیه‌های عملی و راهبردی، که نمی‌تواند از سوی علمای درجه سوم و حتی دوم مطرح شود. این اقدام برای آن که به نتیجه برسد باید از سوی بالاترین مقامات مذهبی، که مورد اعتماد مردم و هم مذہبان خود هستند، اعلام شود. اظهار نظر در این باره از سوی دیگران ممکن است زمینه‌ای را فراهم کند، اما بسا تردیدهایی را هم به وجود می‌آورد. باید تلاش کرد تا رهبران مذهبی

به شکوه و عظمت جهان اسلام که معلول نوعی اتحاد میان اقوام و ملت‌های اسلامی در قرن چهارم و پنجم هجری بود، می‌تواند در آماده کردن اذهان امت برای وحدت و در نهایت رسیدن به مجد و عظمت پیشین مؤثر باشد.^(۲۴) ۴- در جریان وحدت، می‌باید هر چه بیش‌تر به دنبال مقاطعی از تاریخ گشت که بتواند نقطه‌ی اتکای هر دو طرف باشد. برای مثال، سیره‌ی نبوی (ص) باید به نهایت اهمیت دنبال شود. مسلماً در طرح سیره‌ی نبوی (ص) امکان آن هست که بدون مسائل فرقه‌ای به آن پرداخته شود و بر اسلامیت به طور کلی و تجربه‌ی اسلامی، منهای آن چه به مسائل مذهبی مربوط می‌شود، تأکید صورت گیرد.

۵- حفظ و ارتقاء ملاک‌های اخلاقی و تربیتی و روحیه‌ی نشاط در سطوح مختلف آموزشی براساس اصل «اخلاق محوری» و «تربیت مداری» در نظام آموزشی.

۶- برنامه‌ریزی و هدایت نظام آموزشی در راستای پژوهش محوری و حمایت از تولید فکر و اندیشه‌های علمی براساس اصل «پژوهش محوری» و تولید اندیشه.

۷- مسلمانان در اوج تمدنشان، در همه‌ی رشته‌های علمی مثل علوم، هنر، معماری، ستاره‌شناسی، ریاضیات و پزشکی سرآمد بودند. اما اکنون در برخی علوم مانند گذشته سرآمد نیستند.

مفهوم علم و مشتقاتش ۸۸۰ بار در قرآن آمده است که این تکرار کسب دانش را برای هر مسلمانی واجب می‌سازد. پیامبر اکرم (ص) با فرمایش این که «کسب دانش وظیفه‌ی هر زن و مرد مسلمان است»، ارزش دانش را باز شناسانده و هم چنین مسلمانان را به سفر کردن برای یادگیری دانش دیگران، حتی به چین و استفاده از آن برای پیشرفت مسلمانان سفارش کرده است. در حال حاضر، کشورهای اسلامی با وجود چالش‌های اقتصادی جهانی، اعتبارات بسیار کمی را برای اصلاح ظرفیت‌های فکری جوامعشان تخصیص می‌دهند.

۸- نهادهای آموزشی و تربیتی به قدر کافی مجهز به تأمین نیازهای مسلمانان برای پیشرفت فناورانه و علمی نیستند. در بین مسلمانان نسبت به گروه‌های دیگر در جهان بیسوادان بیش‌تری وجود دارند. بسیاری از متخصصان مسلمان به خاطر نبود انگیزه‌ی مناسب، حقوق ناکافی، تسهیلات تحقیقی ناکافی، کمبود فرصت‌ها و پیامدهای سیاسی در خدمت غیرمسلمانان هستند.^(۳۰)

آینده‌ی همگرایی مذهبی

مبانی مکتبی و ارزشی مشترک از جمله مهم‌ترین زمینه‌های همگرایی امت اسلام به شمار می‌رود. به سبب اهمیت این موضوع، بررسی مذهب به عنوان یکی از ابعاد مهم همگرایی کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.

چالش‌ها و فرصت‌های فراوری همگرایی فرهنگی و مذهبی

کشورهای اسلامی دارای یکی از عمیق‌ترین اشتراکات فرهنگی، که زمینه‌ی بسیار مطلوبی را برای ایجاد همگرایی فراهم نموده است، هستند. اسلام به عنوان دین مشترک، که موجب احساس قرابت هویتی مسلمانان شده است، هم چنان در آینده به عنوان عامل همگرایی مطرح خواهد بود و به نظر می‌رسد با ظهور دشمن مشترک فرهنگی مسلمانان که استعمار فرانوی فرهنگی آمریکاست، این همگرایی افزون‌تر گردد. اما این عرصه نیز با چالش‌ها و فرصت‌های گوناگونی روبه‌روست که در ذیل ارائه می‌شود:^(۳۱)

چالش‌ها

گسترش روند جهانی شدن حوزه‌های مختلف به ویژه حوزه‌ی فرهنگی موجب خواهد شد که جهانی شدن با نفوذ به لایه‌ی «هویتی جهان اسلام» به



جریانات سیاسی و گروه‌ها و احزاب سیاسی موجب به حاشیه راندن مذهب اسلام به عنوان عامل همگرایی می‌شود.

آینده‌ی همگرایی سیاسی چالش‌ها و فرصت‌های همگرایی سیاسی

ظهور و بروز اراده‌ی همگرایی در حاکمان سیاسی به عنوان مقدمه‌ی همگرایی کشورهای اسلامی در ابعاد دیگر محسوب می‌شود. زمانی که دولت‌های حاکم اسلامی به ضرورت و اهمیت چنین تحولی پی ببرند، تلاش‌ها به سوی ایجاد همکاری و همگرایی افزون خواهد شد. اما در این مسیر نمی‌توان از چالش‌ها و فرصت‌های فرارو، که برخی از آن‌ها در ذیل می‌آید، غافل شد.

چالش‌ها

۱- اختلافات سیاسی، نظامی و قومی موجود در بین برخی کشورهای اسلامی، به خصوص کشورهای همسایه، به گونه‌ای بوده که نه تنها مانع از اتحاد و همگرایی کشورهای اسلامی شده، بلکه آن‌ها را به عنوان دشمن یکدیگر معرفی کرده است. کشورهای عراق و ایران ۸ سال با یکدیگر جنگیده‌اند و اختلافات ترکیه با سوریه و ایران و... هر یک به گونه‌ای دارای پیشینه‌ای چندین ساله‌اند.

۲- بسط و نفوذ ایده‌های غربی در حوزه‌ی اندیشه‌ی سیاسی، که همراه با پشتوانه‌ی عظیم فکری- رسانه‌ای است، موجب می‌شود تا اصول عملی سیاست اسلامی و کارآمدی دین مورد پرسش واقع گردد تا آن جا که اندیشه‌گران مسلمان، حکم به بن‌بست فکری ایدئولوژی اسلامی برای حضور در گستره‌ی سیاست عملی داده و بدین ترتیب کشورهای اسلامی را در سیاست عملی نیازمند الگوهای متعارف سکولاریستی می‌دانند. این وضعیت که موجب شکل‌گیری نظام‌های سیاسی با ماهیت‌های متفاوت و گاه متعارض شده است، موجب تضعیف همگرایی سیاسی می‌شود.

۳- مناسبات و شرایط برآمده از روند جهانی شدن، که بر رابطه‌ی نامتعادل در بین بازیگران سیاسی استوار است، منجر به بروز نارضایتی نزد طیف عمده‌ای از دولت‌ها شده است. دلیل این امر نیز آن است که در این فضای تازه، منابع و کانون‌های قدرت در قالب‌های تازه‌ای باز تعریف می‌شوند که کشورهای اسلامی عموماً از آن محرومند و لذا در جدول رده‌بندی بازیگران سیاسی، تنزل مرتبه یافته و به حاشیه رانده می‌شوند. براین اساس، چنین به نظر می‌رسد که مطابق اصول واقع‌گرایانه نیز جهان اسلام نمی‌تواند نسبت به آینده‌ی خود در چشم‌انداز فضای روابط جهانی شده امیدوار باشد.

۴- عدم تلاش جدی کشورهای در رفع موانع همبستگی در عرصه‌ها و برخورد انفعالی با دشمنان اسلام و استکبار جهانی و غفلت از خودباوری و درک این نکته که می‌توان با تکیه بر توانایی‌های ذاتی به صورت فعال در جهان امروز ایفای نقش کرد.

۵- بروز و ظهور درگیری‌های سیاسی، تبلیغاتی و نظامی بین کشورهای اسلامی که منجر به بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی در تعاملات این کشورها شده و نابسامانی سیاست‌های داخلی را نیز به آن افزوده است. بسیاری از کشورهای اسلامی در نتیجه‌ی رقابت‌های سیاسی- نظامی با یکدیگر علاوه بر تعمیق و توسعه‌ی نفرت و کینه، همواره دچار ضعف و تزلزل در ثبات سیاسی داخلی هستند.

۶- از مهم‌ترین جلوه‌های واگرایی در جهان اسلام، واگرایی سیاسی است که مقصود از آن تعدد حکومت‌ها، احزاب و گروه‌ها نیست، بلکه منظور کشمکش‌های منفعت طلبانه میان آن‌هاست. کشمکش‌هایی که یا از

اصلی رهبری جریان وحدت اسلامی را در دست بگیرند.

۲- انجام تحقیقات و انعکاس آن‌ها در قالب کتاب و مقاله جهت انعکاس آسیب‌هایی که مسلمانان در اثر اختلافات مذهبی در طول تاریخ متحمل شده‌اند گامی جهت ایجاد زمینه‌های ذهنی در مسلمانان در راستای تکیه بر عوامل وحدت‌بخش به جای تفرقه است. به عبارت دیگر، بیان تجارب تلخ اختلاف‌ها می‌تواند راه را برای ساختن ذهنیتی در جهت بی‌فایده بودن تکرار آن مسائل هموار کند.

۳- تاریخ تمدن اسلامی حاکی از شکل‌گیری همگرایی پیرامون محور عرفان و معنویت است. زمانی که دنیای اسلام علایق عرفانی گسترده داشت، توانسته بود نسل‌ها و نژادها و طوایف مختلف را زیر سایه‌ی وحدتی فراگیر جای دهد و از آنان یک امت واحد شکل دهد.

۴- پرهیز از افراطی‌گری و مهار افراطیون از دیگر مسائلی است که باید لحاظ شود. از بین بردن زمینه‌های شکل‌گیری این حرکات و نفی خشونت به عنوان ابزار این گروه گام نخست در مهار افراط‌گرایی است.

۵- نکته‌ی دیگر آن که عالمان و اندیشمندان می‌باید از اظهار نظرهایی که سبب تحریک هم‌مذهبان آنان می‌شود جلوگیری کنند.

۶- وحدت اسلامی معطوف به حذف مذاهب و ریشه‌کن ساختن باورهای مذهبی و از میان بردن تمامی اختلافات و گرایش‌ها نیست، بلکه معطوف به التزام مسلمانان به اصول اسلام است. وحدت اسلامی ناظر بر همکاری میان پیروان مذاهب اسلامی بر پایه‌ی اصول مشترک، ثابت و مسلم اسلامی و اتخاذ موضع یکسان به منظور تحقق اهداف و مصالح عالی‌ه‌ی امت اسلامی و موضع متحد در برابر دشمنان امت است.

از مهم‌ترین شکاف‌های امروز جهان اسلام می‌توان به شکاف‌های مذهبی اشاره کرد. بدین معنا که مذاهب مختلف موجود در درون گفتمان اسلام اعم از شیعه و سنی یا فرقه‌های منشعب از آن‌ها، از آن حیث که ریشه در اصول اسلامی دارند، با یکدیگر نقاط مشترک بسیار دارند و لذا شایسته است در مقابل گفتمان‌های رقیب متحد قرار گیرند. حال آن که در مقام عمل این نتیجه حاصل نیامده و گسست مهمی میان مذاهب مختلف تعریف شده و لذا مذاهب اسلامی در مقابل یکدیگر قرار داده شده‌اند. نتیجه آن که کشورهای اسلامی با یکدیگر بیگانه و با بیگانگان نزدیک‌ترند.

چالش‌های فراروی همگرایی مذهبی

با وجود این که جهان اسلام مذاهب و فرقه‌های متعددی را در خود جای داده است، کشورهای اسلامی عمدتاً در برابر بیگانگان و دشمنان مشترک، اسلام را به عنوان دین مشترک و عامل انسجام و پیوند میان خود می‌دانند. با وجود تلاش کشورهای اسلامی جهت کاهش اثرات سوء فرقه‌گرایی، برخی از چالش‌های جهان معاصر که در ذیل می‌آید، آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۱- وجود تفکرات و گرایش‌های ارتجاعی در درون برخی کشورهای اسلامی موجب شده است که این افکار منحط، جلوی حرکت‌های مهم و ترقی خواهانه را بگیرد، به گونه‌ای که حتی از سوی دشمنان اسلام نیز در راستای ایجاد اختلاف، مورد بهره‌برداری سوء قرار می‌گیرد.

۲- بروز افراطی‌های خشک و متعصبانه که به دور از هر گونه منطق و استدلال بوده و از اسلام چهره‌ای خشن، غیرمنطقی و خشونت پرور ارائه می‌دهد. این گونه جریانات تندرو چهره‌ی معتدل اسلام را مخدوش کرده و اشکال غیر واقعی از اسلام نشان می‌دهد. زمانی که این گونه تفکر متوجه درون جهان اسلام می‌شود، موجب تقویت و تشدید شکاف‌ها و اختلافات می‌شود.

۳- تعقیب و تقویت تفکراتی چون جدایی دین از سیاست، سکولاریزه شدن



۲- اتخاذ سیاست قوی همکاری بین مسلمانان و تنظیم سیاست‌های مشترک، منافع منطقه‌ای و جهانی مسلمانان را تضمین می‌کند. اگر دولت‌ها نیاز به مشروعیت برای حکومت کردن دارند، تلاش‌های جدی باید برای تجدید سنت‌های سیاسی‌شان و دموکراتیزه کردن فرایند سیاسی برای اجازدهی مشارکت عمومی صورت گیرد. باید به مردم اختیار بیشتری برای پیشبرد منافع ملی بدهند و رهبران را به خاطر عملکردشان پاسخگو و مسئول سازند و باید از حقوق و آزادی‌های فردی در مقابل اشکال مختلف بی‌عدالتی و تبعیض دفاع کنند.

۳- از نظر سیاسی جهان اسلام می‌تواند برای خود نقش یک قدرت منطقه‌ای را تعریف نماید و بدین ترتیب زمینه‌ای را فراهم آورد که منافع کلیه کشورهای اسلامی عضو از ناحیه‌ی تعریف و تأسیس «اتحادیه‌ی کشورهای اسلامی» حاصل آید. روایی و پایایی چنین نقش و جایگاهی به دلایل ذیل است: (۳۱)

- بهره‌مندی جهان اسلام از کانون‌های معتبر برای ایجاد قدرت؛
- داشتن ایدئولوژی برون‌گرا که قابلیت طرح خود را در گستره‌ی جهانی دارد و حداقل در قلمرو جهان اسلام از مقبولیت اجتماعی برخوردار است؛
- سهم قابل توجهی که در شبکه‌ی ارتباطات جهانی به دلیل داشتن توان تولید فکر و اندیشه عهده‌دار است؛

- امکان ارتقاء سازمان نظامی خود و تبدیل نمودن آن به یک قدرت مؤثر در سطح منطقه‌ای؛
- برخوردار بودن از قلمرو جغرافیای وسیع که در بردارنده جمعیتی بالاست؛
- ژئوپلیتیک حساس و تأثیرگذاری در نظام جهانی.

۴- تأسیس «اتحادیه‌ی کشورهای اسلامی» به عنوان هدفی بزرگ ارزیابی می‌شود که به عنوان کارآمدترین بدیل ساختاری برای نظم نوین جهانی در قرن حاضر مطرح است. از این منظر، بازیگران ملی با بازتعریف خود در قالب «بلوک‌های قدرت منطقه‌ای» به ایفای نقش پرداخته و تلاش می‌کنند تا در ساختار نظام جهانی، جایگاه منطقه‌ای خود را ارتقا بخشند. به عبارت دیگر، جهان سیاست آینده، جهان مناطق و نه قدرت‌های ملی و نه حتی قدرت‌های هژمونیک خواهد بود.

آینده‌ی همگرایی امنیتی

به نظر می‌رسد که در این زمینه نمی‌توان چشم‌انداز روشنی از آینده‌ی کشورهای اسلامی ارائه کرد. چرا که منازعات کنونی دامنگیر این کشورها اغلب آن‌ها را به سوی واگرایی سوق می‌دهد. این وضعیت احتمالاً موجب تضعیف همگرایی در دیگر زمینه‌ها نیز خواهد شد.

نرخ بالای درگیری‌های نظامی و غیرنظامی بین کشورهای عضو جهان اسلام در قیاس با درگیری‌های رخ داده با کشورهای غیراسلامی بیش‌تر است. به عبارت دیگر، عمده‌ی منازعات در درون جهان اسلام بوده است. (۳۲) رقابت منفی بین کشورهای عضو جهان اسلام سبب شده است منطبق معادلات قدرت در این حوزه به «بازی با حاصل جمع صفر» نزدیک شود. (۳۳) از این منظر، رشد و توسعه‌ی توانمندی‌های یک کشور اسلامی از سوی دیگر کشورها به مثابه‌ی یک تهدید بالقوه ارزیابی می‌شود و لذا تضعیف آن‌ها برای بازیگران دیگر ارجحیت می‌یابد.

تدوین و ترسیم انگاره‌ها، الگوها، سرمشق‌ها و آینده‌های همگرایی و وحدت در میان مسلمانان جهان و به ویژه کشورهای اسلامی مستلزم دستیابی به زمینه‌های مشترک مفهومی و عملی است. از حیث مفهومی اجماع نظر و پافشاری بر سر اصول و اهداف و منافع مشترک در مقابل پافشاری بر مذهب یا علقه‌ی فکری و عقیدتی خاص از مهم‌ترین زمینه‌های همگرایی به شمار

خودمحوری‌های دیرین سرچشمه گرفته یا رمغان بیگانگان است که در صحنه‌ی سیاسی این کشورها خودنمایی می‌کند. تا زمانی که نخبگان و حاکمان اسلامی مصالح اسلام را بر منافع شخصی و منافع قدرت‌های بزرگ ترجیح نداده‌اند، این وضعیت چالش‌زا ادامه خواهد داشت.

۷- جوان بودن و جدیدالتأسیس بودن بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله چالش‌های همگرایی سیاسی کشورهای جهان اسلام است. در حوزه‌ی جهان اسلام، به ویژه خاورمیانه و شمال آفریقا، هویت‌های ملی ساخته می‌شوند و وفاداری به سرزمین شکل می‌گیرد. لذا فرهنگ‌های بومی و قومیت‌گرایی در اصالت اسلامی آن‌ها دخالت کرده و مسائل ملی‌گرایی و قومیت‌گرایی‌های افراطی ظهور و بروز می‌کند.

۸- جنگ‌های داخلی دامنه‌دار در برخی کشورهای اسلامی و تداوم سیاست‌های حکومت‌های دست‌نشانده و ابرقدرت‌ها در حوزه‌ی جهان اسلام مانع یکپارچه‌سازی و همگرایی کشورهای اسلامی است. این وضعیت موجب شده است که قدرت‌های جهانی با نامن نشان دادن خاورمیانه، حضور خود را در درون کشورهای اسلامی، که خود مانع بزرگی بر سر راه همگرایی اسلامی تلقی می‌شود، توجیه و تفسیر نمایند.

فرصت‌ها

۱- بیداری کشورهای اسلامی و فشار غرب بر آنان به طور عملی آنان را به تعامل با یکدیگر تشویق نموده است. اگر کشورهای اسلامی در سال‌های قبل به دلایل مختلف پیوندهای سستی داشتند، امروز پیوند مستحکم‌تر را برای امنیت خویش لازم می‌دانند. از این بستر می‌توان بهره جست.

۲- در این راستا، جدای از روابط دوگانه‌ی کشورهای اسلامی با یکدیگر در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، خارج شدن سازمان کنفرانس اسلامی از انفعال در ایجاد همگرایی کشورهای اسلامی کلیدکار است. به نظر می‌رسد که امروز عزم کشورها بیش‌تر از دیروز در جهت همگرایی است.

۳- وضعیت کنونی نظام بین‌الملل و قدرت‌های هژمون آن به گونه‌ای است که آن‌ها توانمندی‌های بالایی را در مقابل بی‌توجهی به جنبه‌ی معنوی و اخلاقی از آن خود کرده‌اند. لذا علی‌رغم نمایش اقتدار آنان که به شدت شکننده است، آنان از قدرت بسیار ضعیفی از نقطه‌نظر فرهنگی اخلاقی برخوردارند و به شدت از ضعف روحی- روانی در حوزه‌ی سیاسی رنج می‌برند. این وضعیت موجب می‌شود که کشورهای اسلامی با برتری‌های حوزه‌ی سیاست اخلاقی و عملی به یکدیگر نزدیک‌تر شوند.

راهبردهای فراروی همگرایی سیاسی

دولت‌ها و دولتمردان به عنوان عناصری که تصمیمات و اراده آن‌ها نقش مهمی در حرکت به سوی همگرایی فرهنگی، مذهبی و اقتصادی دارد، قبل از هر اقدامی باید ایده‌ی همگرایی را باور و درک نمایند. لذا همگرایی سیاسی گام مهمی در روند همگرایی جهان اسلام محسوب شده و الزامات و راهبردهای ذیل را می‌طلبد: (۳۴)

۱- در درجه‌ی نخست دولت‌های اسلامی، می‌باید وحدت را به عنوان یک اصل مسلم باور کرده و آن را مبنای سیاست‌های عمومی خویش قرار دهند. یکی از مهم‌ترین نتایج این امر طراحی سیاستی است که بتواند امت اسلامی را به وحدت برساند. مهم‌ترین این سیاست‌ها، حرکت در جهت از بین بردن تعصب و طائفه‌گری است که هم برای ایجاد وحدت سیاسی در کشورها اهمیت دارد و هم برای ایجاد همگرایی در کلیت جهان اسلام.



می‌رود. همان گونه که مقام معظم رهبری در سخنرانی افتتاحیه‌ی سومین کنفرانس وحدت اسلامی خاطرنشان ساختند: «مقصود از دعوت به وحدت این نیست که فرق مسلمین اعم از شیعه و سنی با فرقی که در داخل تشیع و تسنن هستند یا دیگر فرق مسلمانان عالم، موظف و مجبورند که از عقیده‌ی خودشان دست بردارند و به عقیده‌ی سوم یا به عقیده‌ی طرف مقابل گرایش پیدا کنند.»^(۳۴) در نتیجه، وحدت اسلامی معطوف به حذف مذاهب و ریشه‌کن ساختن باورهای مذهبی و از میان بردن تمامی اختلاف‌ها و گرایش‌ها نیست، بلکه معطوف به التزام مسلمانان به اصول اسلام است. وحدت اسلامی ناظر بر همکاری میان پیروان مذاهب اسلامی بر پایه‌ی اصول مشترک، ثابت و مسلم اسلامی و اتخاذ موضع یکسان به منظور تحقق اهداف و مصالح عالی‌ه‌ی امت اسلامی و موضع متحد در برابر دشمنان امت، ضمن احترام به تعهدات عقیدتی و عملی هر فرد مسلمان نسبت به مذهب خویش است.^(۳۵)

همگرایی و وحدت اسلامی و ایجاد بلوک قدرتمند اسلامی، از مهم‌ترین ایده‌ها و آرمان‌هایی است که متفکران و مصلحان مسلمان تاکنون با اتکاء به تعالیم عالی‌ه‌ی اسلامی پیگیری آن بوده‌اند و در مقابله با نظام سلطه‌ی جهانی آن را به عنوان یک برنامه یا راهبرد در ابعاد و اشکال مختلف، متناسب با شرایط و مقتضیات زمان، ارائه نموده‌اند.

امروزه، این امر واقعیتی پذیرفته شده است که شکل‌گیری اتحادی بزرگ از تمام کشورها و ملل مسلمان، که با پذیرش تمام مزایا و محاسن و تحمل معایب و رفع نواقص همدیگر همراه باشد، قادر است به عنوان یک مدل فراگیر برای قدرت‌گیری جهان اسلام مطرح گردد. به نظر می‌رسد ضرورت طرح و تبیین «وحدت و همگرایی جهان اسلام» در موارد ذیل قابل تبیین باشد:

۱- فوریت و اولویت وحدت اسلامی زمانی آشکار می‌گردد که شاهد تلاش قدرت‌های جهانی برای انعقاد پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی جهت تضعیف زمینه‌های اتحاد و همگرایی اسلامی هستیم.

۲- ضرورت وحدت مسلمین از هر قوم، نژاد، ملیت و مذهب به صورتی که در صفتی واحد به منظور حفظ مصالح و منافع مسلمانان و ارزش‌های عالی‌ه‌ی اسلامی در برابر نظام سلطه‌ی جهانی قرار گیرند.

۳- لازمه‌ی قدرت گرفتن و قرار گرفتن جهان اسلام در ساختار قدرت نظام بین‌المللی و رشد و توسعه‌ی آن ثبات و امنیت منطقه‌ای آن است. رسیدن به این ثبات و امنیت در سایه‌ی وحدت کشورهای مسلمان در قالب «امت اسلامی» است. لذا با تقویت و تعمیق اتحاد جهان اسلام، بلوک کشورهای اسلامی قابلیت ورود به حلقه‌ی قدرت‌های جهانی را دارد و بازیگران عمده‌ی سیاست بین‌الملل دیگر نمی‌توانند این قدرت جدید را در عرصه‌ی بازی‌های جهانی نادیده بگیرند.

۴- ایجاد و تقویت ذهنیت و باورهای مبنی بر وحدت اسلامی بین کشورهای مسلمان موجب می‌شود که ارتباط بین کشورهای اسلامی رشد و گسترش فزاینده‌ای پیدا کند.

۵- تأسیس «اتحادیه‌ی کشورهای اسلامی» گامی مهم در راستای ایفای نقش فعال و قدرتمندانه‌ی کشورهای اسلامی در ساختار نوین بین‌الملل است.

۶- زمانی که از وحدت جهان اسلام بحث می‌شود، هدف ارائه‌ی این تصویر است که کشورهای اسلامی با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های گسترده‌ای که امروزه از آن برخوردارند، با گسترش و تحکیم همکاری با یکدیگر، به ایجاد اتحادی ماهیتا منطقه‌ای با کارکردی جهانی بپردازند. علاوه بر این که درک مشترکی که در بین بسیاری از کشورهای اسلامی از ضرورت گسترش همگرایی در ابعاد مختلف وجود دارد، دست یافتن به چنین هدفی را تسهیل می‌نماید.

۷- همگرایی کشورهای اسلامی، بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی

اقتصادی، سیاسی، دفاعی، امنیتی، نظامی و فرهنگی جهان اسلام را جهت دستیابی به اهداف و منافع عالی‌ه‌ی اسلام و مسلمین در حوزه‌های مختلف فراهم می‌آورد. ۸- شرایط و موقعیت‌های برتر ژئواستراتژیک و ژئوآکونومیک بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله واقع شدن در مجاورت سرزمینی با مهم‌ترین تنگه‌ها و گذرگاه‌های آبی - دریایی جهان، مجاورت فرهنگی ۵۷ کشور اسلامی با فرهنگ مسیحی - اروپایی در غرب و بودایسم و هندوئیسم در شرق، جای دادن ۱/۳ میلیارد نفر جمعیت جهان در خود که بازار مصرف قابل توجهی را ایجاد کرده است و مزیت‌های نسبی در بسیاری از دیگر فرایندهای اقتصادی، که انگیزه‌های قوی‌ای را در هریک از کشورهای اسلامی برای ایجاد اتحاد و همگرایی به وجود می‌آورد. ماهیت اساسی شکل‌گیری همگرایی جهان اسلام به گونه‌ای است که تمامی کشورهای مسلمان می‌توانند در این فرایند ذی‌نفع باشند. به نظر می‌رسد همان گونه که اتحاد کشورهای اسلامی همواره در تاریخ تفکر سیاسی - اجتماعی ملت‌های مسلمان و متفکران و رهبران نهضت‌های اسلامی به عنوان یک راهبرد بدیل و کلا یک راه حل اساسی در برابر زیاده‌خواهی‌ها و تهاجمات قدرت‌های جهانی مطرح شده است، امروزه نیز کاستن از فشار اربابان قدرت جهانی بر کشورهای اسلامی مستلزم شکل‌گیری اتحادی قوی از ملل و کشورهای اسلامی است.

از دیگر زمینه‌های مفهومی شکل‌گیری همگرایی و وحدت میان کشورهای اسلامی، اجماع نظر نقش آفرینان کلیدی همگرایی در این کشورها بر مفاهیم زیر است:

۱- **ارائه‌ی چشم‌انداز (Visionary):** دورنمایی از دستیابی به نهایت اهداف برآمده از همگرایی در افق زمانی؛

۲- **تعیین مأموریت‌ها (Missionary):** غایت خواست‌های کشورهای اسلامی از برنامه‌های موردنظر - اعم از خواست‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی، امنیتی و نظامی - که منبعث از نظام ارزش‌های اسلامی است و مدل دستیابی به آن‌ها را میسر می‌سازد؛

۳- **ارائه‌ی اهداف (Goals):** تدوین مجموعه مقاصد و منظورهایی که در جریان برنامه‌ریزی و برای تحقق مأموریت پیش‌بینی می‌شوند و عملیات اجرایی برنامه در جهت نیل به آن مقاصد تنظیم می‌گردد؛

۴- **مشخص نمودن راهبردها (Strategies):** تبیین و طراحی چارچوبی که مجموعه حرکات و اقدامات اصلی را برای دستیابی به اهداف ترسیم کرده و چگونگی تخصیص کلی منابع را برای به دست آوردن موقعیت‌های مطلوب و خشتی کردن تهدیدات در حال و آینده بیان می‌دارد. تدوین راهبرد با تکیه بر یک جهت‌گیری کلی چارچوبی را در اختیار تصمیم‌گیرندگان و نقش آفرینان فرایند همگرایی کشورهای اسلامی قرار می‌دهد که براساس آن می‌توان برنامه‌ها را اجرا نمود و با تغییرات محیطی نیز تعامل سازنده داشت؛

۵- **تدوین سیاست‌ها (Policies):** ناظر بر تدوین دستور راهنمای تفکر و تصمیم‌گیری برای مدیران، نقش آفرینان و برنامه‌ریزان فرایند همگرایی اسلامی است. سیاست‌ها خطوط راهنمای تصمیم‌گیری در انتخاب از میان گزینه‌های مختلف راهبردها و برنامه‌های اجرایی برای تحقق اهداف را فراهم می‌نماید؛

۶- **ارائه‌ی برنامه‌های اجرایی (Programs):** نگاشت مجموعه‌ای از عملیات و خدمات مختلف در ارتباط با یکدیگر برای تحقق هدف‌های مشخص در همگرایی که در چارچوب راهبردها تنظیم می‌شوند. معمولاً هر برنامه‌ی اجرایی خود حاوی اهداف، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی و طرح‌های مشخص برای انجام عملیات است که توسط دستگاه‌های اجرایی مسئول هر برنامه تهیه خواهد شد. وحدت و همگرایی کشورهای اسلامی به لحاظ عملی با توجه به خلأهای مفهومی و عملی موجود مستلزم شکل‌گیری کارگروه‌ها



- 7- Cultural Opportunity
 8- Cultural Treath
 9- Scope of Research
 10- Criteria
 11- Stakeholder
 12- Islamic Development Bank;31st; Annual Report;2005-2006.
 13- WORLD ISLAMIC ECONOMIC FORUM;28-29 May 2007;PWTC,Kuala Lumpur,Malaysia;pp.73-74.
 14- WORLD ISLAMIC ECONOMIC FORUM;Ibid.

۱۵- مرقاتی، سیدطه: «جهانشمولی اسلام و جهانی سازی (مجموعه مقالات)»: شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی؛ ج ۲؛ مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی؛ تهران ۱۳۸۲؛ ص ۵۰.

- 16- AI-Salman.Mahdi H;Islamic Regional Economic Integration:Challenges and opportunities; Kuwait University;2000.
 17- Managing.Yeoh M;(editor),Partnerships-Unlocking Economic Potential for Growth and Development in Muslim Countries;Pelanduk Publications;2003.
 18- AI-Salman;Op.cit.
 19- World Bank; The Major Economic; Social&Trade Indicators of The Group of OIC Member countries;(1997-2002);CD-Rom 2003.
 20- Turnover
 21- World Bank; The Major Economic;Social&Trade Indicators;Ibid.
 22- Fahim Khan; Islamic Futures and their Markets;Islamic Development Bank;1997;pp.31-35.
 23- Zubair,Hasan; The New World Order;Muslim Predicament;and the way out International;Islamic University of Malaysia;2004 Online at:http// mpra.ub.uni-muenchen.de/3009/MPRA Paper No.3009,posted 30,April 2007/07:38 and look at Organisation of the Islamic Conference,OIC 10-year Action Plan;2005.

۲۴- معزالدين، محمدسعید: «آوای وحدت»: تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی؛ مرداد ۱۳۷۴؛ صص ۳۳-۸۸.

25- Islamic Development Bank; Key Socio-Economic Statistics on IDB Member Countries; Statistical Monograph No.26;2006.

۲۶- «چالش‌های فرهنگی - تبلیغی و فرصت‌های پیش‌رو»: همایش بین‌المللی جهان اسلام: چالش‌ها و فرصت‌ها؛ وزارت امور خارجه؛ ۱۳۸۳، صص ۲۸۱-۳۲۳.
 27- Lausanne Committee for World Evangelization; Understanding Muslims “A New Vision, a New Heart, a Renewed Call”; Lausanne Occasional Paper No.49 2004 Forum for World Evangelization; Thailand, September 29 to October 5;2004.

28- Fulya Celik; Muslims at a Crossroads: alienation or integration; Sunshine Mosque Open Day Sunday 29 April;2007.

۲۹- خیرخواه، کامل: «وحدت بر محور مکتب اسلام»؛ مجله‌ی مکتب اسلام؛ سال ۲۳؛ شماره‌ی ۳؛ ص ۱۹۵.

۳۰- مظفری، محمدحسین: «مبانی عینی همبستگی اسلامی»؛ مقاله‌ی ارائه شده در هفتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی؛ تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلام؛ ۱۳۷۴.

۳۱- مجیدی، محمدرضا: «کارکردگرایی و همگرایی جهان اسلام»؛ مقاله‌ی ارائه شده در مجموعه مقالات استراتژی تقریب مذاهب اسلامی؛ تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلام؛ ۱۳۸۹؛ ص ۴۴۹.

۳۲- برجر، مایکل و تد رابرت گار: بحران در سیاست جهان: ظهور و سقوط بحران‌ها؛ ترجمه: فردین قریشی؛ تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی؛ جلد اول؛ ۱۳۸۲ و هم‌چنین نگاه کنید به افتخاری، اصغر؛ خشونت و جامعه؛ تهران: نشر سفیر؛ ۱۳۷۹.

۳۳- افتخاری، اصغر؛ «منطق معادلات امنیت ملی»؛ فصلنامه مطالعات راهبردی؛ ۱۳۸۰؛ شماره ۱۴؛ صص ۵۲۶ - ۵۰۵.

۳۴- آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، «سخنرانی افتتاحیه»؛ مجموعه سخنرانی‌های سومین کنفرانس وحدت اسلامی؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی؛ ۱۳۶۸.

۳۵- تبرائیان، محمدحسن: «استراتژی تقریب مذاهب اسلامی»؛ ص ۱۹۷.

و کانون‌های عمل و نظر در هر یک از حوزه‌های مورد توجه و حائز اهمیت در همگرایی و وحدت کشورهای اسلامی است. تدوین شرح وظایف هر کار گروه منوط به اجماع در زمینه‌های مفهومی است. براین اساس، همگرایی کشورهای اسلامی یک ضرورت راهبردی برای کشورهای اسلامی ارزیابی می‌شود که در ارتباط وثیق با منابع و هویت آن‌هاست. به همین دلیل لازم است که تأمل درباره‌ی نحوه‌ی عملیاتی نمودن مبانی این تأسیس نوین در دستور کار کلیه‌ی اندیشمندان متعهد در سطح جهان اسلام قرار گیرد.

منابع و مآخذ

- ۱- افتخاری، اصغر؛ خشونت و جامعه؛ تهران: نشر سفید؛ ۱۳۷۹.
 ۲- برجر، مایکل و تد رابرت گار: بحران در سیاست جهان: ظهور و سقوط بحران‌ها؛ ترجمه: فردین قریشی؛ تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی؛ جلد اول؛ ۱۳۸۲.
 ۳- تبرائیان، محمدحسن: «استراتژی تقریب مذاهب اسلامی».
 ۴- «چالش‌های فرهنگی - تبلیغی و فرصت‌های پیش‌رو»: همایش بین‌المللی جهان اسلام: چالش‌ها و فرصت‌ها؛ وزارت امور خارجه؛ ۱۳۸۳.
 ۵- خیرخواه، کامل: «وحدت بر محور مکتب اسلام»؛ مجله‌ی مکتب اسلام؛ سال ۲۳؛ شماره‌ی ۳.
 ۶- صفوی، سیدیحیی: «وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده»؛ دانشگاه اصفهان؛ اصفهان: کنگره‌ی بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام؛ ۱۳۸۵.
 ۷- مجیدی، محمدرضا: «کارکردگرایی و همگرایی جهان اسلام»؛ مقاله‌ی ارائه شده در مجموعه مقالات استراتژی تقریب مذاهب اسلامی؛ تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلام؛ ۱۳۸۹.
 ۸- مرقاتی، سیدطه: «جهانشمولی اسلام و جهانی سازی (مجموعه مقالات)»: شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی؛ ج ۲؛ مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی؛ تهران ۱۳۸۲.
 ۹- مظفری، محمدحسین: «مبانی عینی همبستگی اسلامی»؛ مقاله‌ی ارائه شده در هفتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی؛ تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلام؛ ۱۳۷۴.
 ۱۰- معزالدين، محمدسعید: «آوای وحدت»: تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی؛ مرداد ۱۳۷۴.

- 11- Islamic Development Bank;31st; Annual Report;2005-2006.
 12- WORLD ISLAMIC ECONOMIC FORUM;Ibid.
 13- AI-Salman.Mahdi H;Islamic Regional Economic Integration:Challenges and opportunities; Kuwait University;2000
 14- Managing.Yeoh M;(editor), Partnerships-Unlocking Economic Potential for Growth and Development in Muslim Countries;Pelanduk Publications;2003.
 15- World Bank; The Major Economic;Social&Trade Indicators;Ibid.
 16- Fahim Khan; Islamic Futures and their Markets;Islamic Development Bank; 1997; pp.31-35.
 17- Zubair,Hasan; The New World Order;Muslim Predicament;and the way out International;Islamic University of Malaysia;2004 Online at:http// mpra.ub.uni-muenchen.de/3009/MPRA Paper No.3009,posted 30,April 2007/07:38 and look at Organisation of the Islamic Conference,OIC 10-year Action Plan;2005.
 18- Islamic Development Bank; Key Socio-Economic Statistics on IDB Member Countries; Statistical Monograph No.26;2006.
 19- Lausanne Committee for World Evangelization; Understanding Muslims “A New Vision, a New Heart, a Renewed Call”; Lausanne Occasional Paper No.49 2004 Forum for World Evangelization; Thailand, September 29 to October 5;2004.
 20- Fulya Celik; Muslims at a Crossroads: alienation or integration; Sunshine Mosque Open Day Sunday 29 April;2007.

پی‌نوشت

- ۱- تبرائیان، محمدحسن: «استراتژی تقریب مذاهب اسلامی»؛ صص ۱۸۵-۱۹۵.
 ۲- صفوی، سیدیحیی: «وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده»؛ دانشگاه اصفهان؛ اصفهان: کنگره‌ی بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام؛ ۲۰-۲۲ آذرماه ۱۳۸۵.
 ۳- همان.
 ۴- همان.

- 5- Cultural Strength
 6- Cultural Weakness